

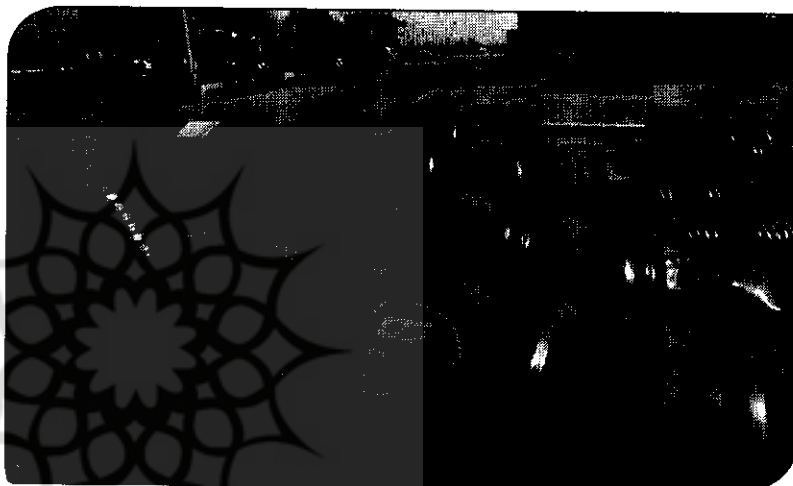


مقاله

## قیمت نفت؛ افزایش ناگهانی و کاهش فاحش!؟

مانیفست خود در ۱۹۹۷ به نام PNAC یا پروژه قرن نوزدهم آمریکا، به این اجماع رسیده بودند که برای حل بحران انرژی آمریکا، رکود اعلام نشده و دستیابی به سال‌ها ثبات نفت ارزان، باید عراق را به تصرف خود در آورند. در همین راستا بود که به دولت کلینتون فشارهایی وارد می‌آوردند تا به عراق حمله کند، ولی وقتی محافظه کاران جدید حاکم شدند این موضوع را در اولویت برنامه‌های خود قرار دادند. پس از حمله به برج‌های دوقلو و ساختمان پنتاگون در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ محافظه کاران جدید سیاست‌های خود را بر احساسات جریحه دار شده مردم آمریکا و جهان سوار کرده و مقدمات حمله به عراق را فراهم کردند.

اظهار نظرهای مدیرانی که نقش اصلی در طراحی این جنگ را داشتند جای شکی را باقی نمی‌گذارد که هدف اصلی آمریکا از این حمله دستیابی به منابع نفت بود. در این راستا آقای جیمز وولسی، رئیس پیشین سیا چند روز پیش از حمله به عراق گفت: با تصرف عراق ۲ میلیون هکتار بشکه نفت عراق را سراسر بازار خواهیم کرد، عربستان را به زانو در آورده و اوپک را منحل خواهیم کرد. آن‌گاه ایران یک قطعه کیکی است که بلعیده خواهد شد. جورج بوش نیز محور شرارت عراق - کره شمالی - ایران را مطرح کرد و در چنین فضایی میان محافظه کاران جدید اختلاف بود که اول باید به ایران حمله کرد یا عراق. آنچه مسلم است محافظه کاران جدید فضای آمریکا و جهان را امنیتی نظامی کرده و در این راستا به سازمان ملل و شورای امنیت و هم پیمانان خود در ناتو و دیگر دوستان توجیهی نکرده اند. اسرائیل نیز آتش بیار معرکه بود و آمریکا را تشویق به حمله به ایران می‌کرد و حتی دکتر آمیت مور، رئیس مشاوران نامی استراتژیک اکواترژنی اسرائیل در گفت‌وگویی با خاتم آنات داویدوف معتقد به مجازات جدی و محاصره کامل نفتی ایران بود. (۳) انسرژی امنی ایران و شایعه بمب اتمی این حساسیت را علیه ایران بیشتر کرد. در این



تقاضا و مقوله «اوج تولید» به این نتیجه رسیده است که از یک سو تقاضا برای نفت روندی فزاینده دارد و از سوی دیگر وضعیت مخازن زیرزمینی و به عبارتی عنصر «بشکه اضافی» که پاسخگوی این تقاضا باشد، روندی کاهنده دارد. (۱)

ایشان در پیش‌بینی‌های خود به این نتیجه رسیده بود که قیمت نفت تا ۱۰۰ دلار افزایش خواهد یافت، آن‌گاه که قیمت به اوج خود رسید روی تقاضا اثر گذاشته و تقاضای جهان برای نفت کاهش خواهد یافت، در نتیجه قیمت به تدریج پایین خواهد آمد تا به نقطه تعادلی شاید معادل ۷۰ دلار برسد. پیش‌بینی دکتر فشارکی در حالی انجام شد که قیمت اوپک برای هر بشکه نفت در یک دامنه ۲۲ تا ۲۸ دلار در نوسان بود.

شاید بتوان پیش‌بینی بالا را یک پیش‌بینی علمی تلقی کرد، چرا که ارقام و آمار روز در آن لحاظ شده بود، اما چرا فزاینده‌گی قیمت نفت چنین شتابی پیدا کرد و در زمان کوتاهی از ۱۰۰ دلار هم عبور کرده و تا ۱۴۵ دلار رسید؟ توضیح این که بنا بر آنچه جورج سوروس در کتاب رؤیای برتری آمریکا می‌نوشته است (۳) محافظه کاران جدید (تنوکان‌ها) در

این روزها یکی از مسائل پیش روی محافل سیاسی، اقتصادی و خوانندگان عزیز نشریه این است که چرا قیمت نفت افزایش ناگهانی پیدا کرد و آن‌گاه سقوط قائم یا کاهش فاحش!؟

ضرب المثلثی است که کمپانی‌های نفت «ابر سیاست» (The Oil Companies are over Politics) و از آنجا که طراحی‌های آنها بر ما کاملاً معلوم نیست و مسائل پشت پرده‌ای وجود دارد نمی‌توانیم به تحلیل درست و کاملی برسیم، ولی شاید بتوان در حد توان و با تباطاددن بعضی رخدادها یک جمع‌بندی نسبی دست‌چابیم.

در زمینه اقتصاد نفت سال‌هاست که ملت ما با واژه‌هایی چون کشورهای تولید کننده، کشورهای مصرف کننده، دلالان و کمپانی‌های نفت و واژه‌هایی چون عرضه و تقاضا آشنا هستیم، ولی چند سالی است که با مقوله جدیدی آشنا شدیم و آن عبارت است از: «ظرفیت مخازن زیرزمینی نفت، Peak Oil و یا نقطه اوج تولید» (۱) به این معنا که بسیاری از مخازن زیرزمینی نیمه دوم عمر خود را طی می‌کنند و برخی نیز در معرض پایان پذیری قرار دارند. دکتر فریدون فشارکی با توجه به جدیدترین آمار و ارقام، عرضه و

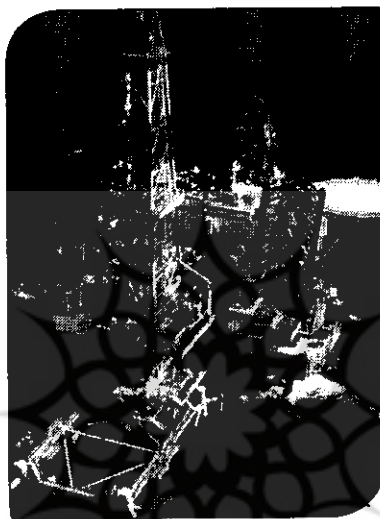
فضای امنیتی - نظامی یک جنگ روانی علیه ایران طراحی شد و هر روز در جه التهاب سیاسی در دنیا بالا می رفت. فضای امنیتی - نظامی یاد شده و احتمال حمله امریکا به ایران و خط مشی های پیش رو در سر مقاله چشم انداز ایران بررسی شده که مطالعه آن می تواند این فضا را نشان دهد. (۵)

در پی حمله به عراق قیمت های نفت مرتب افزایش می یافت. شاید یک دلیل آن این بود که آقای رامسفلد وزیر دفاع امریکا گفت افزایش قیمت نفت هزینه های جنگ را پوشش می دهد. دلیل دیگر آن این بود که مقاومت هایی در عراق در برابر اشغالگری شکل گرفت که با وجود تصور محافظه کاران جدید امکان دسترسی به نفت را مشکل کرد. (۶) به طوری که آقای سارا وزیر پیشین نفت و نژو نلاد در کتاب «سیاست های نفتی» خود نوشت: به لحاظ دسترسی به نفت و عرضه آن در خلیج فارس در میان کشورهای خاورمیانه، ایران امن ترین کشور است.

خط مشی اصلی امریکا، از یک سو حضور حداکثری نظامی - امنیتی در منطقه خلیج فارس و از سوی دیگر ناامن کردن منطقه بود و از آنجا که ایران کانون پایداری و ثبات در مقابل این خط مشی بود، بنابراین سعی داشتند که این مقاومت را از سر راه برداشته (۷) و زمینه را برای یک قرن ثبات نفت ارزان و همچنین حفظ موجودیت اسرائیل فراهم آورند. دلیل دیگر افزایش قیمت نفت این بود که این بار امریکا برای دستیابی به نفت، خون داده و جان سربازان خود را در معرض خطر قرار می دهد که با توجه به دیه خون یک امریکایی که متأسفانه صد هابرابر خون یک مسلمان است مسئله قابل تأملی است. در چنین فضای امنیتی - نظامی و به لحاظ سیاسی ملتهب بود که کشورهای غربی پیش بینی کردند که اگر جنگی علیه ایران رخ دهد ایران به نوبه خود واکنش جدی نشان خواهد داد. (۸) و ممکن است شیرهای نفت منطقه تا مدتی به سوی غرب بسته شود، از این رو تدبیری اندیشیدند که ذخیره سازی استراتژیک نفت را از ۹۰ روز به بیش از ۱۴۰ روز افزایش دادند. به این معنا که اگر جنگی رخ دهد آن کشورها بتوانند تا بیش از ۴ ماه بدون وابستگی به نفت خلیج فارس به حیات اقتصادی صنعتی خود ادامه دهند.

متأسفانه طی سه سال اخیر پیش از سقوط قائم قیمت نفت، تولید نفت در جهان بیش از مصرف آن بود و با وجود این فزونی تولید بر مصرف، قیمت های نفت روندی فزاینده داشت. وقتی کامیون دارهای انگلیسی به افزایش قیمت گاز و تیل و بترن اعتراض کردند آقای گوردون سراون توپ را در زمین اوپک انداخت و گفت اوپک با پایین نگه داشتن تولید خود باعث گرانی نفت شده است و پاسخ هایی هم به او داده شد که افزایش قیمت مربوط به عملکرد

انگلیس و غرب است که مالیات هیدروکربن را پایین نمی آورند. متأسفانه این روند چند سال ادامه داشت، یعنی با وجود فزونی تولید بر مصرف، قیمت نیز بالا می رفت. به نظر می رسد اشتباه اعضای اوپک در اینجا بود. آنها از نظر اقتصادی باید تولید را آن چنان پایین می آوردند که معادل مصرف جهان شود تا نتوانند ذخیره سازی مصنوعی کنند. شاید علت غفلت این بود که هم تولید بالا بود و هم قیمت و بنابراین دلارهای نفتی معتابه دید چشم مان را نزدیک بین کرد و از عقلانیت آینده نگر محروم شدیم. افزون بر کشورهای غربی که بر ذخیره سازی استراتژیک خود



می افزودند، بورس بازاها و تجار نفتی هم از این روند افزایش قیمت بهره مند می شدند و با خرید و فروش کاغذی (Paperbarrel) نفت این روند را دامن می زدند. اگر بپذیریم که افزایش قیمت نفت تا مرز ۱۰۰ دلار یک روند علمی داشته، بنابراین افزایش قیمت از ۱۰۰ دلار به بالا را با چه مکانیزی می توان تبیین کرد؟ به نظر می رسد علت آن را در ایجاد فضای امنیتی - نظامی و التهاب سیاسی علیه ایران و در پی آن ذخیره سازی های کشورهای غربی و بورس بازی تجار نفت باید دید.

همان طور که می دانیم در برخی از رسانه های اسرائیل و غرب محاصره کامل ایران مطرح شد، ولی مقامات مسئول ایران اعلام کردند که اگر نگذارند نفت ایران صادر شود اجازه صدور نفت دیگر کشورهای خلیج فارس را نخواهند داد. همان طور که می دانیم در سال ۲۰۰۶ یک تیم دهنفره امریکایی مرکب از ۵ نفر دموکرات و ۵ نفر جمهوریخواه به ریاست جیمز بیکر و لی هامپلتون به مدت ۹ ماه در عراق تحقیقاتی انجام دادند که نتیجه آن گزارش مفصلی بود که در بخشی از آن گزارش آمده بود که ستیزه گران عراقی به تکنیک های نظامی ای چون

بمب های کنار جاده و... دست یافته اند که تهدیدی جدی برای امنیت تانک های امریکا و انگلیس است. جیمز بیکر و لی هامپلتون نتیجه گرفته بودند که یا باید مدل جدیدی از تانک ساخته و وارد عراق شود که زمان بر است و یا این که باید فتیله جنگ را پایین کشید و به همین دلیل و عوامل دیگر بود که پیشنهاد گزارش، خروج سربازان امریکایی تا پایان سال ۲۰۰۸ از عراق بود. (۹) تحول دیگری در مردم امریکا رخ داد که از روند جنگ مأیوس شده بودند و در انتخابات میان دوره ای نوامبر ۲۰۰۶ به دموکرات ها رأی داده بودند. در پی این نقطه عطفی که در آرای مردم امریکا علیه محافظه کاران جدید و جنگ به وجود آمد رامسفلد جنگ طلب جای خود را به رابرت گیتس عملگر داد. نظر بیکر - هامپلتون، برژینسکی و رابرت گیتس (۱۰) در مورد ایران این شد که باید استراتژی تغییر رژیم را کنار گذاشت و به تغییر رفتار پرداخت. حمله اسرائیل به جنوب لبنان در سال ۲۰۰۶ و نتایج آن نقطه عطف دیگری بود. گزارش های زیادی درباره حمله اسرائیل به لبنان نوشته شد، ولی در یک سندی که مشترکاً ارتش امریکا و اسرائیل آن را تهیه کردند می خوانیم که رزمندگان جنوب لبنان نظم مدرن و عجیبی داشتند و توانستند ارتش اسرائیل را که به سبک غرب ساز مانده می شده بود شکست دهند. در پی بی نتیجه بودن فضای امنیتی - نظامی، نقطه عطف دیگر این بود که امریکاه به منظور ثبات در عراق و افغانستان به همکاری مشترک ایران و امریکان نیاز داشت. در ایران برخی قرارداد امنیتی امریکا و عراق را از الطاف خفیه الهی دانستند. پیش بینی اسرائیل این بود که پس از نابودی جنوب لبنان مقاومت حماس را از میان ببرد و در پی نابودی این دو عقبه استراتژیکی ایران به سراغ ایران بیاید تا در این صورت ایران تنها بماند. پس از پیروزی مقاومت ۲۳ روزه، بحران لبنان تا مدتی ادامه داشت تا این که هم پیمانان حزب الله در یک عمل غافلگیرانه ستاد فالانژهای لبنان را در غرب بیروت تصرف کردند و واکنش جدی ای هم در برابر آن نبود. به نظر می رسد امریکا و هم پیمانان خود وقتی این رخداد را بررسی و این نقاط عطف را با هم ارتباط دادند به این نتیجه رسیدند که کنفرانسی در دو حه پایتخت قطر تشکیل دهند تا برای حل بحران لبنان تدبیری اندیشیده شود. دعوت ایران به این کنفرانس نشان می داد که برشی و نقطه عطفی در فضای نظامی - امنیتی نسبت به ایران به وجود آمده است و در پی آن ایران را در تریبات امنیتی منطقه وارد کرده اند.

به نظر من نشست دو حه، شبانه جنگ علیه ایران را منتفی کرده، این در حالی بود که هر بشکه نفت ۱۴۵ دلار خرید و فروش می شد. به دنبال این نقطه عطف بود که کشورهای غربی ذخیره سازی های استراتژیک نفت خود را که دیگر به لحاظ اقتصادی

سیاسی صرف نمی کرد و بازار کردند.

بورس بازاها و تجارت نفتی نیز همین طور و بدین سان بود که با افزایش ناگهانی عرضه، سقوط قائم یا کاهش فاحش قیمت نفت را مشاهده کردیم که با یک دید اقتصادی صرف به هیچ وجه قابل تبیین نیست. آنها سه سال ذخیره سازی کردند برای روز مبادا و جنگ، و لسی وقتی جنگ متفی شد و میلیتاریسم امریکایی ساسریلی در اوج میلیتاریسم خود نتوانست پیروزی هایی به دست آورد و اوایما کاندیدی ریاست جمهوری امریکا حمله به عراق را که ابتکار آن بالایی اسراییل در امریکا بود یک فاجعه دانست، کسانی که نفت را ذخیره کرده بودند به این نتیجه رسیدند که دیگر نگه داشتن نفت نه تنها فایده ای ندارد، بلکه هر لحظه آن خسران است.

اگر میزان نفت ذخیره شده طی این سه سال فزونی مصرف بر تولید محاسبه شود خواهیم دانست که تا چه زمانی قیمت نفت در سطح نازل خود خواهد ماند. اگر این ذخیره سازی تماماً وارد بازار شود آن گاه است که بر اساس پیش بینی های علمی و با توجه به پایان پذیری نفت، مقوله داوج تولید، و فقدان بیشکه اضافی و برای جوابگویی و تقاضای فزاینده، قیمت نفت بالا خواهد رفت به شرطی که اوپک دوباره به دام چنین غفلتی نیفتد. البته عوامل دیگری در این سقوط قائم یا کاهش فاحش قیمت نفت مؤثر بودند، از جمله اعلام رسمی رکسود، بیکاری چشمگیر در امریکا و در پی آن

کاهش فوق العاده مصرف نفت. عامل دیگر عبارت بود از عزم راسخ رأی دهندگان امریکایی و بویژه دموکرات ها و در رأس آنها اوایما که در جستجوی انرژی جایگزین برای نفت هستند. اینجاست که کمپانی های نفت به دنبال سود سرشاری که در روند افزایش قیمت به دست آورده بودند با مکانیزم هایی که در دست دارند قیمت نفت را پایین آوردند تا این که سوخت فسیلی رقیبی جدی پیدا نکند و دستیابی به انرژی جایگزین به صرفه اقتصادی نباشد. در کنار این عوامل باید به فصل پاییز نیز توجه کرد که در این فصل به دستگاه های گرم کننده و سرد کننده نیازی نیست. در پایان باید گفت اگر اعضای اوپک طی آن سه سالی که تولید نفت بر مصرف نفت فزونی گرفت و همزمان قیمت افزایش می یافت، تولید اوپک را کاهش می دادند مناسب تر و بهتر بود. اوپک پس از سر از سر بردن نفت های ذخیره شده به بازار بود که تولید خود را کاهش داد که البته دیگر دیر بود، ولی باز هم می توان امیدوار بود که اوپک تولید خود را آن چنان کاهش دهد که نفت های ذخیره شده در رابطه با التهاب های سیاسی، پایان پذیرد (۱) آن گاه قیمت نفت آهنگ علمی فزاینده خود را پیدا کند تا به قیمت متعادلی برسد.

پی نوشت ها:

۱- هر چند در امریکا در ۱۹۷۱، اوج تولید و سپس افول مخازن آنجا

شروع شد، ولی متأسفانه این مقوله هنوز در صنعت نفت مانده است و این در حالی است که سیاست های اقتصادی امریکایی از آن سال به بعد تابعی از رفتار مخازن زیرزمینی آن بوده است.

۲- در کت: مخازن نفت را در باقیم، چشم انداز ایران، شماره ۳۶.

۳- در کت: انرژی برتری امریکایی، جورج سوروس، مترجم لطف الله میمنی، نشر صدیقه.

۴- در کت: برنامه هسته ای ایران- تحریم نفتی، چشم انداز ایران، شماره ۲۹.

۵- در کت: ایران و نهانج امریکا، استراتژی و تاکتیک های پیش رو،

مقاله، چشم انداز ایران، شماره ۴۳.

۶- در کت: گزارش جنگ و اشغالگری در عراق، مترجم سینا مالکی، نشر صدیقه.

۷- در کت: دیدگاه ژنرال ایچف (ضرورت آمادگی ایران برای دفع یک حمله هسته ای)، چشم انداز ایران، شماره ۴۳، سرمقاله.

۸- همان و همچنین اظهارات مقام رهبری و فرمانده های سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۹- در کت: سایت [www.meisami.com](http://www.meisami.com)، گزارش گروه مطالعات عراق (جیمز بیکر ولی هایلتن).

۱۰- در کت: زمان نگرشی تازه به ایران، گزارش گروه کاری شوروی روابط خارجی امریکا به ریاست مشترک برژنسکی و اربست گیتس، چشم انداز ایران، شماره ۳۲.

۱۱- دکتر مهدی علیی در تحقیق خود بانام دلایل سقوط قیمت نفت و ضرورت مدیریت عرضه برای بازگشت به ثبات بازار (۷۱) دی

۱۲۸۷) این گونه محاسبه کرده اند که اگر اوپک به مدت شش ماه روزی ۳ میلیون بشکه تولید خود را کم کند قادر است بر روند کاهش یابنده

قیمت نفت ضربه کند.

## ویژه نامه

# کردستان همیشه قابل کشف (۳)

## منتشر شد.

